



آخرین سامورایی؛ چشمان غران، لبان خندان

روایت آخرین سامورایی (the Last Samurai) ساخته‌ی ادوارد زوئیک؛ درباره رویارویی دو جنگجوست که با وجود دوری و بیگانگی فرهنگی؛ سر آخر به تعاملی عارفانه می‌رسند.

همشهری آنلین- مهدی تهرانی:

روایت آخرین سامورایی (the Last Samurai) ساخته‌ی ادوارد زوئیک؛ درباره رویارویی دو جنگجوست که با وجود دوری و بیگانگی فرهنگی؛ سر آخر به تعاملی عارفانه می‌رسند.

نیویورک ، بهار ۱۸۷۶، جشن پیروزی سواره نظام امریکا. "کاپیتان ناتان آلگرن" به عنوان سردار فاتح در این جشن معرفی می‌شود. ناتان می‌داند که این تقدیر به دلیل کشتار یکدست و تمیزی است که او و افرادش در قصابی کودکان و زنان سرخپوست به راه انداخته بودند. او در بدترین شرایط روحی و پشیمان و منفعل از کرده خویش بی تاب و مستاصل است. اما یک اتفاق می‌تواند او را از محیط آلوده و کثیف سیاسی و نظامی امریکا دور کند؛ دعوت امپراتور ژاپن از او و گروه همراهش برای رفتن به کشور آفتاب تابان و ساماندهی ارتش آنجا.

آنها باید سامورایی‌ها را از بین ببرند. اما قضیه به همین سادگی نیست و دست تقدیر سرنوشت دیگری برای او رقم زده است. اولین درگیری او و سامورایی‌ها منجر به دستگیری ناتان می‌شود. او که شدیداً زخمی شده به دهکده اصلی و مقر مرکزی سامورایی‌ها برده می‌شود.

به دستور کاتسوموتو رهبر سامورایی‌ها بدقت از او پرستاری می‌کنند. ناتان رفته رفته به درک عمیقی از فرهنگ عارفانه ، انسان دوستانه و صلح طلب سامورایی می‌رسد. گفتگوهای او و کاتسوموتو باعث پیدا شدن تعاملی روحی میان آن دو می‌شود. اینجاست که ناتان آنچه دارد رو می‌کند تا با همراهی سامورایی‌ها به رهبری کاتسوموتو به جنگ امپراتور ژاپن برود. کسی که ندای صلح سامورایی‌ها را نشنید و تنها مرگشان را طلب می‌کرد.

آخرین سامورایی ادوارد زوئیک درباره دو جنگجوست که با وجود دوری و بیگانگی فرهنگی به تعاملی عارفانه می‌رسند. قسمت اول فیلم این 2 شخصیت را معرفی می‌کند.

زوئیک مانند دیگر فیلمهایش جزییات جذاب را در مسیری منطقی کنار هم می‌گذارد و با پرداختن روان ، قصه ای پرهیجان و سرشار از واقعیت تصویر می‌کند. در این مسیر او ابتدا شخصیت‌های اصلی اش را به اختصار معرفی کرده و بعد از تماشاگر می‌خواهد در استحال یا قوام تفکر قهرمانان فیلم شریک شود.

با این طرز روایت؛ دگرگونی ناتان (تام کروز) در نقش یک نظامی امریکایی که پی به بی مغزی اش برده و با پشیمانی از آدمکشی اش در فکر پلایش روحی خود است ، دیگر غیرواقعی به نظر نمی‌رسد. روند منطقی آشنایی واتانابه با تام کروز نیز خلق الساعه رو ایت نمی‌شود.

در زیرساختی که زوئیک در نظر داشته و کلیدی ترین آیتم پیش برنده فیلم نیز هست ، تعامل فکری و روحی تام کروز و کن هاتانابه قا، داد. شد غلامی که آب جوی آرد

ناتان آلگرن در حالی به ژاپن اعزام می‌شود که لحظه ای از کابوس‌های شبانه‌اش خلاصی ندارد. چهره‌های کودکان معصوم و زنان بی دفاع قبیله سرخپوستی "سو" مدام در این کابوس‌ها جلوی چشمان او رژه می‌روند.

او حتی از یونیفورم نظامی خود نیز بیزار است ، ولی نمی‌داند قرار است به سمت و سویی برود که سرانجامی هزاران بار دردناک تر از گذشته برایش خواهد داشت. به او گفته اند سامورایی‌ها راهزنانی سفاک و پلیدند و مهمترین مانع در راه مدرن شدن امپراتوری ژاپن! اما دست تقدیر واقعیت را برای ناتان روشن می‌کند.

در اولین جنگ با سامورایی‌ها، ارتش ژاپن فرار را بر قرار ترجیح می‌دهد و ناتان در محاصره سامورایی‌ها قرار می‌گیرد. او که بی‌سلاح مانده؛ نیزه‌ای با پرچم مقدس سامورایی‌ها که نشانه و نماد آنهاست از یک سامورایی می‌گیرد و با آن مبارزه می‌کند. در این نما پرچمی که بدست ناتان است (منقش به بیر سفید) به گونه‌ای زیرکانه سرنوشت بعدی وی را بازگو می‌کند.

کاتسوموتو از دیدن پرچم سامورایی در دستان ناتان و طرز جنگیدن وی به درک عمیقی از شخصیت او می‌رسد. ناتان را به مقر خود می‌برد، خواهرش از او پرستاری می‌کند و رفته رفته فرهنگ و خلیات سامورایی را به ناتان نشان می‌دهد. در نهایت کاپیتان ناتان آنگرن که برای قلع و قمع سامورایی‌ها آمده بود خود را در فرهنگ سامورایی غوطه ور می‌بیند و به قسمت آنان، دما، آند، نه با چشم مدغده لانش، مخندد مئا، دنگ سامه، اب، ها. زخم‌های را می‌بندم، ای قاتل!

اگر فیلم آخرین سامورایی را به 3 قسمت عمده تقسیم کنیم، داستان میانی مربوط به ایامی است که تام کروز در دهکده سامورایی‌ها دوران نقاهتش را می‌گذراند.

او در خانه خواهر کاتسوموتو زندگی می‌کند؛ خانه آخرین سامورایی که به دست ناتان کشته شده و شوهر همین کویوکی خواهر کاتسوموتو است.

ادوارد زوئیک به ظرافت تماشاگر را مشتاق می‌کند تا نتیجه را پیگیری کند و مدام با حدس و گمان با روند شکل‌گیری فیلم شریک شود.

کویوکی نمی‌داند قاتل شوهرش همین مجروحی است که او زخم‌هایش را بسته و پرستاری‌اش را کرده است. تماشاگر می‌خواهد بداند کویوکی پس از دانستن این حقیقت چه می‌کند؛ از طرفی دیگر کاتسوموتو نسبت به ناتان نظر مساعد دارد تا قضیه باز هم پیچیده‌تر شود.

وقتی کویوکی بفهمد برادرش به عنوان رهبر سامورایی‌ها؛ قاتل شوهرش را به خانه او فرستاده، چه واکنشی نشان می‌دهد؟ زوئیک با کنار هم قرار دادن چند صحنه پرمعنا به این پرسش پاسخ می‌دهد. روندی که در فیلم با صحنه روبه رو شدن کویوکی با برادرش کاتسوموتو به اوج زیبایی می‌رسد:

کویوکی: برادر! لطف کن بگو او از اینجا بره. من نمی‌توانم اونو تحمل کنم.

کاتسوموتو: به نظرت اون آدم نفرت‌انگیزی می‌یاد؟

کویوکی: بودنش در خانه‌ام یک ننگ غیرقابل تحمله.

کاتسوموتو: تو می‌خواهی که من این حرف‌ها رو به او بگم و ترجیح می‌دی که برای انتقام شوهرت، او را بکشم؟ کویوکی: بله!

کاتسوموتو: اما باید بدونی که اول این شوهرت هیرو تارو بود که می‌خواست او را بکشد. این درست عین انجام یک مراسم ربانی بود.

کویوکی: می‌فهمم، باید این ضعف را فراموش کنم.

کاتسوموتو: دما، مدغده، آند، اب، اینجا دلالت، داما، اب، تمام حین، است که مدفمم. واقعیت‌های در دسترس

آنچه در آخرین سامورایی روایت می‌شود، برخاسته از اعتقادات قلبی و نیت‌های پاک و شفاف است. این روند از وقتی که پای ناتان برای اولین بار به دهکده سامورایی‌ها می‌رسد تا صحنه‌های پایانی جنگ قابل دریافت است. شفافیتی که تنها نزد سامورایی‌هاست و بزرگنمایی آن با رفتارهایی که نمایش می‌دهند نمود می‌یابد.

اما قسمت سوم داستان از صحنه ورود کاتسوموتو به توکیو آغاز و به صحنه جنگ سامورایی‌ها با ارتش ژاپن خاتمه می‌یابد. واقعیت‌های دسترس در این قسمت پایانی چیست؟

الف) وقتی دشمن بزرگ می‌شود: ورود کاتسوموتو به مجلس مشورتی امپراتور، نتیجه بدی دارد. حاصلی که اومارای زالوصفت در مقام دولتمرد ارشد امپراتور باعث شده تا جنگ با سامورایی‌ها دغدغه اصلی همه باشد.

امپراتور شمشیر کاتسوموتو را نمی‌پذیرد و این به معنای شروع جنگ است. جنگی که کاتسوموتو و سامورایی‌ها هرگز به دنبال آن نبودند.

اومارا، کاتسوموتو را زندانی می‌کند در حالی که ناتان به ارتش ژاپن برگشته و طوری وانمود می‌نماید که در این مدت اسیر کاتسوموتو بوده‌است.

زوئیک در نمایش کمپ نظامی ارتش ژاپن عالی عمل می‌کند. این ارتش، دیگر همان ارتش 4 ماه قبل که ناتان آن را آموزش داده نیست. این کمپ، حالا پادگانی پر از سرباز سر تا پا مسلح است. ناتان می‌فهمد که دشمن بزرگی دارد، اما نه به اندازه اراده یک سامورایی! این ارتش روح و قدرت ندارد.

ب) پسر خود را فدا می‌کند: سکانس نفس‌گیر آزادی کاتسوموتو از دست ماموران امپراتور، سرشار از نماد و معناست. ابتدا دستیار اومارا، خنجری را جلوی کاتسوموتو می‌گذارد تا خودکشی کند.

او نمی‌فهمد که یک سامورایی هرگز خودش را نمی‌کشد. او باید در میدان جنگ و با افتخار بمیرد. در همین گیر و دار ناتان و بقیه سامورایی‌ها سر می‌رسند و کاتسوموتو را نجات می‌دهند؛ اما گذشتن از محاصره افراد گارد که به تفنگ مجهز شده‌اند کار ساده‌ای نیست.

مقابله تفنگ و شمشیر نتیجه معلومی دارد؛ اما قدرت روحی و اعتقاد سامورایی‌ها و ایثار پسر کاتسوموتو باعث می‌شود افراد گارد از میان بروند و پسر در راه آرمان‌هایش کشته می‌شود.

ج) عمق فاجعه: صحنه‌های جنگ در آخرین سامورایی شکوه خاصی دارد. هرچند که کمی طولانی و خسته‌کننده روایت می‌شود؛ اما معنایی قابل درک و جالب توجه دارد.

رفتارشناختی و معناشناختی تصویری صحنه‌های جنگ در مواردی چنان گویاست که پنداری تمام ماجرای فیلم در میان همین

نمادها جای گرفته است.

برای مثال در صحنه‌ای پس از دقایقی از شروع جنگ پایانی میان سامورایی‌ها و سربازان ارتش امپراتوری ژاپن؛ تا چشم کار می‌کند جسد دیده می‌شود.

یک لحظه دوربین روی ناتان و کن واتانابه می‌چرخد و از نگاه آنان میدان جنگ تصویر می‌شود. از نگاه آنان فاجعه دردناک کشتار انسان‌ها آن هم به سبب بی‌مغزی، حسادت‌ها و پستی افرادی چون اومارا عمیق‌تر از آن است که به تصور بیاید.

ابن، نماد یک، از بهت، به اصل، تب، نمادها، تصدع، فیلم محسوب می‌شود. (د) شکوفه‌های احتضار: نمای پایانی میدان جنگ با آخرین لحظات زندگی کن واتانابه (کاتسوموتو) پایان می‌یابد. او زخمهای فراوان برداشته و در کنار تام کروز (ناتان آلگرن) فرسوده و زخمی بر زمین می‌افتد.

تام خنجرش را به واتانابه می‌دهد و او هم با افتادن روی خنجر آخرین زخم را به زخمهای عمیق‌اش می‌افزاید. آخرین حرف واتانابه در لحظه مرگ تنها یک کلمه است.

او با دیدن تصاویر نمادین شکوفه‌های سفید درختی سرسبز می‌گوید: عالی است. هر چند در بسیاری از مواقع به کارگیری نمادهایی که بزرگنمایی‌شان تکراری است فیلم و کارگردان را سهل انگار جلوه می‌دهد، اما دست کم این روند در اینجا و برای فیلم آخ، سام، اب، صده، نم، کند. زوال شکوه

آخرین سامورایی فیلمی خوش ساخت و پرشکوه است. اما یکی از ایرادهای اصلی فیلم صحنه پایانی آن است که بیش از حد کشدار شده و در آن ضعف و زوال سامورایی‌ها تصویر می‌شود.

خاتمه فیلم زیبا و دوست داشتنی است، اما نحوه روایت زوئیک به دلیل طولانی بودن ضعیف از کار درآمده است. آخرین سامورایی شروعی عالی و غافلگیرکننده دارد اگر در پایان نیز این گونه بود، آن وقت کار زوئیک هیچ گونه ضعفی نداشت.

The Last Samurai

کارگردان: ادوارد زوئیک؛ فیلمنامه: جان لوگان؛ ادوارد زوئیک؛ براساس رمان جان لوگان؛ موسیقی: هانس زیمر؛ زمان فیلم: 154 دقیقه؛ بودجه: 140 میلیون دلار؛ فروش: 456 میلیون دلار. محصول 2003 آمریکا.

بازیگران: تام کروز (کاپیتان ناتان آلگرن)؛ کن واتانابه (فرمانده موریتسوگو کاتسوموتو)؛ هیوروکی سانادا (یوجیو)؛ شین کویامادا (نوبوتادا)